

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه پنجاه و یکم، ۲۴ آذر ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/معاملات آتی و قراردادهای بورس /صحت وکالت حقوقی در معاملات آتی

### 1- حدیث اخلاقی (عذاب عالم بی عمل در قیامت)

حضرت رسول مکرم اسلام، صلی الله علیه و آله - که می شود گفت: تمام خطابات، به ایشان منتهی می شود؛ چون رسول و عبد مطلق هستند؛ و به تعبیری که عرض می کنیم هم مبدأ و هم معاد در اختیار ایشان است و هم حالات معادی انسان ها در اختیار ایشان است، معراج ایشان را حقیقت تمثلی معاد و برزخ و قیامت می دانیم - در فرمایشی که ایشان دارند، یکی از فرمایش های است که شاید مصداق همین اشراف و هیمنه و سیطره حضرت باشد، حتی بر مسائل قیامت و آنچه در قیامت، واقع می شود؛ حتی نسبت به عذاب های که خدای نخواستہ برای برخی به وجود می آید. این فرمایش ایشان در بحار، جلد دوم است؛ حضرت فرمودند:

«أشد الناس عذاباً يوم القيامة ، عالم لم ينفعه علمه [1].»

سبحان الله! نعوذ بالله من سيئات أعمالنا و شرور أنفسنا! حضرت فرمودند: شدیدترین و بدترین عذاب ها و مجازات ها در روز قیامت، برای کسی است که چیزی را بداند و عمل نکند و از دانش خود استفاده نکند؛ در فردای قیامت، مجازات او و عذابش از همه شدیدتر است. این چند تعبیر را عنایت فرمایید.

### 1.1- مراتب علما

عالم، دارای مراتب مختلف است؛ به قول ما طلبه ها، مقول به تشکیک است؛ از دانستنی های جزئی و اولیه که عالم با جاهل تفاوت دارد، شروع می شود تا عالم آل محمد صلی الله علیه و آله نسبت به امام رضا علیه السلام و اولیای دیگر.

### 1.2- تشخیص انسان به عمل است

عمل، بر اساس علم است؛ ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ [2] ﴿هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ﴾؛ [3] آیا ظلمت و نور مساوی هستند؟ قطعاً مساوی نیستند. کاری که از انسان صورت می گیرد، عمل است؛ ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾؛ [4] تشخیص انسان به عمل است؛ ﴿جَزَاءً وَفَاقًا﴾؛ [5] جزا، مطابق عمل است و جدا نیست؛ عالمی که به علمش

عمل نکند و از علمش بهره نبرد، شدیدترین عقاب‌ها را در فردای قیامت خواهد داشت؛ نعوذ بالله؛ «چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر برد کالا» [6].»

### 1.3- ارتباط بزرگی و کوچکی گناه، به علم و جهل انسان

گناه عالم، قابل قیاس با جاهل نیست؛ هفتاد گناه برای شخص جاهل و نادان آمرزیده می‌شود، قبل از اینکه یک گناه برای شخص دانا و توانا آمرزیده شود؛ [7] چون دانشش برای او مسئولیت آورده است. می‌شود از این روایت این اصل اساسی را استفاده کرد که کوچکی و بزرگی گناه، وابسته به علم و دانش انسان است؛ شدت و عدم شدت عذاب هم، وابسته به دانش و علم و عمل انسان است. آخرت، دار مجازات است و انسان باید جزا ببیند و این جزایی که می‌بیند، بر وفق عمل است. عملی که بر وفق دانش باشد، نتیجه مطلوب دارد؛ کار زشتی که بعد از دانش باشد، نتیجه‌اش شدت عذاب است؛ کوچکی و بزرگی عذاب، وابسته به دانش و علمی است که همراه عمل است یا نیست. توجه دارید که عالم بدون عمل، مانند درخت بدون ثمر است.

### 1.4- لزوم برنامه ریزی برای عمل به معلومات

برنامه‌ریزی کنید؛ انسان به قدری که می‌داند باید برای کارش برنامه‌ریزی کند؛ هرچه برنامه‌ریزی بهتر، جزای عمل، مطلوب‌تر. ان‌شاءالله برای انتفاع علمی و عملی‌مان، برنامه‌ریزی کنیم. اینکه بدانند نماز شب خوب است، ولی نخواند، مشکل دارد. بدانند عدالت خوب است، ولی انجام ندهد، مشکل دارد؛ بدانند سلام خوب است، ولی سلام ندهد، مشکل دارد. رزقنا الله ایانا و ایاکم، بهره از دانش‌مان ببریم. ربّ أنعمت فزد؛ جای شکر دارد که در محضر حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها و در محضر آیات و روایات هستیم.

### 2- خلاصه جلسه گذشته

در ادامه مباحث بورس، سخن رسید به قراردادهای و مفاد قراردادهای بورس؛ و بالاخص در مفاد قراردادهای بازار مشتقه و قرارداد آتی و این عنوان‌های قرارداد آتی که معامله‌گرها و کارگزاران در بورس، این‌گونه معامله می‌کردند که توافق می‌کردند و قرارداد می‌بستند که سهامی را خرید و فروش کنند. گاهی کالا و سهام خارجی، بر اساس اعتباریات است. آنچه مهم است، سود است.

مثال می‌زنیم که توافق می‌کنند، سکه‌ای را در این تاریخ بخرند یا بفروشند و در فلان تاریخ تحویل و تحول داشته باشند؛ گاهی در همان تاریخ هم تسویه حساب است؛ ببینند سکه در آن زمان چقدر تفاوت داشته، سود یا زیان حساب کنند و تسویه حساب کنند.

ده تا سکه را الآن خریده است و همین عنوان ده سکه است، قرارداد می‌بندند و ذمه‌ها مشغول می‌شود؛ یا سهام، یا اوراق بهادار، یا قرضه، یا کالای فلان کارخانه را از اشخاص حقیقی یا حقوقی خریداری می‌کند. صحبت این بود که بایع و مشتری و کارگزار و فروشنده هم قرارداد می‌بندند که تسویه حساب کنند؛ گاهی روزانه تسویه دارند و حساب سود و غیر آن را دارند؛ آیا این معامله، شرعی است یا خیر؟

بیع دین به دین یا کالی به کالی است یا خیر؟ گفتیم: با بیع، مدیون می‌شود؛ این غیر از بیع دین به دین است که گذرانندیم. در این بخش بودیم که سهام‌دار و کارگزار و معامله‌گر و خریدار و فروشنده، تاریخی را برای سررسید مشخص می‌کردند، به اباحه یا وکالت، اباحه در تصرفات می‌دادند؛ این را بررسی می‌کردیم.

### 3- اعتبار یا عدم اعتبار وکالت اشخاص حقوقی

اولین اشکال که امروز مطرح می‌کنیم و باید جواب داده شود، این است که آیا وکالت اشخاص حقوقی، همانند اشخاص حقیقی معتبر است یا خیر؟ قراردادی بسته است؛ ﴿أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ﴾؛ [8] ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾؛ [9] ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ﴾؛ [10] المؤمنون عند شروطهم»؛ [11] شاملش می‌شود یا خیر؟

این قرارداد ضمن عقد که در بورس مطرح شده است، اشخاص حقوقی یا اتاق پایاپای یا بورس می‌توانند طرف وکالت قرار گیرند یا خیر؟

شخصیت‌های حقوقی، همانند شخصیت‌های حقیقی، وکالت در آن امکان دارد یا خیر؟ می‌توانید به شخصی بگویید: این تصرفات را در اموال من داشته باش؛ به شخصیت حقوقی هم می‌توان گفت یا خیر؟

### 4- مشروعیت وکالت اشخاص حقوقی نزد عرف و عقلا، و به تبع آن نزد شارع

با ادله لفظی و سیره عقلاییه عرفیه که شارع هم در مسائل حقوقی تابع عرف است، این قرارداد مشروعیت دارد.

آیا شارع مقدس به عنوان کسی که معاملات را تایید و امضا می‌کند - که نظر ما تأسیسی نبود و امضایی بود - در عرف عقلا، وکالت به شرکت‌های حقوقی می‌دهند؟ بله؛ امر متداولی است؛ چنان که در گذشته‌ها برای کعبه و فقرا و عناوین و مانند اینها برای حقوقی‌ها وقف و ملکی قرار داده می‌شد، الآن هم می‌شود؛ راه منعی برایش وجود ندارد. به دلالت التزامیه عمومات و

مطلقات، ادله صحت معامله‌ای که داشتیم، عرض ما این است که وکالت شخصیت‌های حقوقی، همانند وکالت شخصیت‌های حقیقی است؛ چون در عرف عقلا انجام می‌شود و می‌توانند طرف معاملات ما قرار گیرند.

#### 5- سند زدن برای شرکت‌ها، دلیل بر صحت وکالت اشخاص حقوقی

همان‌طور که این مدیر عامل کارگزاری یا بورس می‌تواند برای خودش خرید کند، می‌تواند برای شرکتش هم خرید کند. امروز از اموری که دلیل بر صحت معامله است، سندهایی است که زده می‌شود؛ برای شرکت‌ها امروز سند زده می‌شود؛ برای شرکت، ماشین‌آلات خرید و فروش می‌کند؛ چه تفاوتی با معامله در بورس دارد؟

#### 6- صحت سایر عقود اعم از وکالت و مانند آن در بورس

آنچه که واسطه در نقل و انتقالات و داد و ستد باشد و عقلا واسطه‌گری او را قبول کنند، مشروعیت دارد؛ الا ما خرج بالدلیل. آنچه سود آور است، مورد قبول عقلا است، مگر اینکه شارع مقدس، نهی کرده باشد؛ مانند معاملات غرری و ربوی و مانند شرط‌های مخالف کتاب‌الله.

می‌شود گفت: برخی از این معاملات، مخالف کتاب‌الله است. عرض ما این است که معاملات در بورس و با بورس، صحیح است؛ معامله که صحیح بود، وکالت‌شان صحیح است؛ عقود دیگر هم صحیح است. در معاملات بورس، نباید مدام روی بیع تاکید کنیم؛ اباحه تصرف هم اصلی است که باید در مسائل بورس رعایت شود.

#### 7- نتایج مترتب بر صحت وکالت اشخاص حقوقی در بورس

1) شخصیت‌های حقوقی، همانند شخصیت‌های حقیقی هستند؛ همان‌طور که معامله با آنها اشکال ندارد، وکالت آنها هم اشکالی ندارد؛ با اشخاص حقوقی، همانند حقیقی می‌توان قرارداد بست. ادله به واسطه سیره عَقلاء بما هم عَقلاء همین که منعی از شارع نباشد، حجیتش ثابت است.

2) هر چیزی را که عرف عَقلاء منتسب کند به شرکت‌های حقوقی و اطاق پایاپای یا کارگزار یا بورس یا شخصیت‌های حقوقی بورس، الا ما خرج بالدلیل، حجیت دارد؛ همان‌طور که کارگزاری خرید و فروش می‌کند، کارگزاری، وکیل هم می‌شود. وکالت، امر جایزی است، ولی وفای به خصوصیات آن، بعد قرارداد لازم است. همان‌طور که وفای به عقود و ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾، اشخاص حقیقی را می‌گیرد، قرارداد اشخاص حقوقی را هم می‌گیرد.

3) اگر روزی به هر دلیلی، وکالتی از وکالت‌های شخصیت‌های حقیقی و حقوقی باطل بود - مثلاً وکالت، یک خط قرمزهایی داشت؛ برخی افراد نمی‌توانستند وکیل شوند؛ برخی وکالت‌ها صحیح نبود؛ برخی موضوعات وکالت، صحیح نبود؛ مانند: وکالت به کافر برای خرید و فروش مصحف، جایز نیست؛ یا در بورس، جنس حرامی عرضه شده است؛ مانند مشروب، آن کالا حرمت عرضی یا ذاتی داشته باشد - در این صورت قابل خرید و فروش و وکالت نیست؛ هر کجا بیع صحیح باشد، وکالت هم صحیح است؛ چون ﴿أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ﴾، مفید حلیت بیع است. بیع هم تمثیل است، نه مصداق؛ بلکه آخباری به مشکل می‌خورد.

نتیجه اینکه شخصیت‌های حقوقی، قابل توکیل و وکالت هستند.

#### 8- داخل بودن قراردادهای در بورس مانند وکالت در تحت اطلاقات قرآنی و روایی

بحث شرط ضمن عقد را هم اگر این اشکال وارد باشد که شاید بعضی معاملات در بورس معاملات غرری باشد، یا مخالف کتاب‌الله باشد، عرض ما این شد که بلکه اگر مخالف کتاب‌الله باشد، اشکال دارد؛ اگر برسد به غرری بودن، اشکال دارد. از همه مهم‌تر، عرض ما این است که باید قراردادهای در بورس، چه اباحه، چه وکالت، چه به عنوان هبه معوضه باشد، پولش در عوض سود می‌بخشد؛ می‌شود اینها را تحت عنوان ﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ دانست؛ این آیه، یک بار در سوره بقره، آیه ۱۸۸ و یکی در سوره نساء است؛ سوره نساء پسوندی دارد که مورد توجه است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ﴾؛ تجارت از روی تراضی شرط است؛ قطعاً در معاملات بورس این است؛ آیا این مورد تأیید و تصویب آیات شریفه هست یا نیست.

#### 9- چند مطلب تفسیری در باره آیه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ»

اکل در اینجا، نماد تصرفات است نه خصوصیت آن؛ اکل، بر طعام اطلاق می‌شود؛ چون در تصرف طرف است؛ تنها اکل نیست.

باطل هم، در مقابل حق است؛ حق یعنی امر ثابت شده و باطل یعنی چیزی که حقیقت ندارد.

باطل، چند احتمال در آن است:

1. اینکه مال را بدون عوض، استفاده نکنیم؛ باید با عوض باشد؛ مبادله باشد و با تراضی باشد. نقل کلام می‌کنیم که در قراردادهای آتی یا بازار مشتقه، بدون عوض است؟ خیر، بدون عوض نیست؛ حداقل عوضی که مطلوب طرفین است که سود است، وجود دارد؛ شرط ابتدایی باشد، عهد یا ضمان یا امر دیگری که گفتیم، اینکه این چند سهم یا این چند سکه یا

کالا را معامله می‌کنم، اصلاً بدون عوض نیست. می‌توان گفت: معاملات آتی، تخصصاً نه تخصیصاً و موضوعاً از اکل مال به باطل، خارج است.

2. وجه دیگر اینکه مراد به باطل این باشد که اکل مال به سبب باطل نباشد، نه بالباطل؛ به وسیله قمار باشد، یا به وسیله ربا، یا امری که شرع، آن را باطل می‌داند.

#### 10- قمار یکی از مصادیق اکل مال به باطل در روایات

روایات را ملاحظه کنید:

وسائل الشیعه، باب ۳۵ (باب تحریم کسب القمار حتی الکعاب والجوز والبیض وإن کان الفاعل غیر مکلف، و تحریم فعل القمار):

محمد بن یعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن سيف بن عميرة، عن زياد بن عيسى قال: «سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن قوله عز وجل: وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ فَقَالَ: كانت قريش تقامر الرجل بأهله وماله فنهاهم الله عز وجل عن ذلك [12].»

طوری که بود که رواج داشت حتی خانواده‌ها و اموالشان را قمار می‌کردند؛ و حضرت فرمودند: خدا این را نهی کرد.

باطل، یعنی راه‌هایی که به باطل کشیده می‌شود.

#### 11- اشاره ای به بحث آینده: آیا معاملات آتی مصداق قمار است یا خیر؟

ببینیم معاملات آتی به این معنا باطل است یا خیر؟ اگر کسی آتی را مصداق قمار بداند، باید بگوید شرعیت ندارد، وگرنه جزو موارد اکل مال به باطل نیست؛ در آتی برد و باخت نیست؛ تاریخی مشخص کرده و جنسی فروخته و خروج موضوعی دارد.

---

[1] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۲، ص ۳۸.

[2] زمر/سوره ۳۹، آیه ۹.

[3] الرعد/سوره ۱۳، آیه ۱۶.

[4] نجم/سوره ۵۳، آیه ۳۹.

[5]نبأ/سوره٧٨، آيه٢٦.

[6]سنابي، ديوان اشعار، قصايد، قصيده شماره٧ (در مقام اهل توحيد).

[7]سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار، القمي، الشيخ عباس، ج٤، ص٤٠٥.

[8]بقره/سوره٢، آيه٢٧٥.

[9]مائدة/سوره٥، آيه١.

[10]نساء/سوره٤، آيه٢٩.

[11]وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج٢١، ص٢٧٦، أبواب المهور، باب٢٠، ح٤، ط آل البيت.

[12]وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج١٧، ص١٦٤، أبواب ما يكتسب به، باب٣٥، ح١، ط آل البيت.